عود اشکال پیشین آیت‌الله سیستانی به مبنای خود ایشان

استاد: من جلوتر عرض کردم مرحوم آقای خوئی اولی که استدلال کردند، طوری جلو بردند که قید شب نداشت. بعد با آن چیزهایی که پاراسال صحبتش شد تصحیح کردند و برخی از جاها را برداشتند و برخی از جاها را بردادشتند. حاج آقای سیستانی می‌گویند خب اگر این یک راه است، راه دیگری هم هست. چرا فقط این باشد؟! یعنی گویا می‌گویند از چاله رؤیت با اشتراک افق در می‌آیند و می‌افتیم در چاه اشتراک در شب. ایشان هم همین را می‌گویند؛ یعنی از چیزی که صاف است خودمان را در بیاوریم و مطلبی را بگوییم که به قید اشتراک در شب گرفتار شویم. لذا نپذیرفتند. من جلوتر عرض کردم قید اشتراک در شب، قیدی است که بعداً نانچار شدند که بزنند و سر نمی‌رسید. الآن هم عرض می‌کنم که باید فکر دیگری شود. این جور نیست که ما این قید را اعتبارا اضافه کنیم و بعد هم بگوییم معظم شب. و مشکلات دیگری که دارد. خلاصه باید جواب بدهند. اینکه می‌گویند خطای زیاد، این خطا را چه کار می‌کنند؟

آنها که برگشتند و گفتند افق بلد را با چشم عادی ببینند...؛ الآن هم که آخر جزوه است، من روی این تأکید کنم؛ به‌عنوان اشکالی که به گمانم سرنوشت بحث را عوض می‌کند. حتی نزد همین رساله حاج آقای سیستانی که جواب می‌دهند، خودشان به آنها اشکال می‌کنند اما همین اشکال به نوع دیگری بر مبنای خودشان وارد است که علی ای حال باید جواب داده شود.

اندازه‌ای که ذهن قاصر من طلبه می‌فهمد این اشکال، اشکالی سنگینی است. اگر این اشکال به‌خوبی جلا داده شود و سر برسد، سرنوشت بحث رؤیت هلال عوض می‌شود. آن اشکال چیست؟ این است که شما می‌گویید باید در افق بلد ببینند؛ همینجا هلال را ببینند و آن هم با چشم عادی. چند بار تأکید می‌کنند که با چشم عادی هلال را ببینیم، چون میقات است. خب سؤال این است: چند جلسه قبل مطرح شد، اما به‌عنوان اشکالی است که شاید در سرنوشت بحث تأثیری داشته باشد. اشکال این است: الآن شما باید در همین دیدن عادی فتوای خودتان را ابراز کنید. اگر در شرائط عادی باشد هیچ کسی نمی‌بیند. همه به استهلال می‌روند و می‌گویند ما ندیدیم. اما اگر تلسکوپ را به کار بیاوریم، آن را با تلسکوپ پیدا می‌کنیم بعد به همانهایی که عادی ایستاده‌اند با چشم عادی می‌بینند. در اینجا چه می‌گویند؟ خود حاج آقا در این اسأله چه می‌گویند؟ من مراجعه کردم اگر تصریحی پیدا کردید به من هم بدهید. ولی به گمانم نزد فتوای ایشان صاف باشد که اگر در قم همه آمدند و همینطوری نمی دیدند، ولی تلسکوپ را آوردیم و جای آن معلوم شد، بعد همه دیدند. «لرآه الف» و فوق الف.

خب ایشان در اینجا چه می‌گویند؟ همه با چشمشان دیده‌اند. آیا فتوا می‌دهند؟ اگر تلسکوپ نبود که نمی دیدند، میقات را هم باید با چشم عادی ببینند، ما اینجا را اصلاً قبول نداریم. در «ولو رآه

الف» می‌گویی‌م این «الف»ی است که اگر تلسکوپ نبود نمی‌دیدند. حتما ًنیاز بود که تلسکوپ بیاوری‌م تا ببینند. اگر می‌گویند که این‌جا مجزی نیست، باید به این جواب بدهند که همه می‌بینند. شما می‌گویید چشم عادی، این هم چشم عادی است. می‌گویند چشم عادی بدون کمک از آن... .

شاگرد: حاج آقای زنجانی به این تصریح کرده بودند و به همه هم نسبت داده بودند.

استاد: که این را قبول داری‌م. بله. اما درخود کلمات حاج آقای سیستانی این را پیدا نکردم. خوب است از کسانی که مبنای ایشان را می‌دانند سؤال شود. خیلی بعید می‌دانم که بگویند بعد از این‌که با تلسکوپ دیده شد و هزار نفر هم دیدند، ولی مجزی نیست. خیلی بعید می‌دانم. ولی علی ای حال مباحثه علمی است.

خب روی این فرض که مجزی می‌دانند بگویند وقتی آن را پیدا کردی‌م، رآه الف. خب در این‌جا اشکال بر می‌گردد. چطور به استادتان اشکال می‌گیری‌د، درحالی‌که به خودتان هم وارد است؟ از صدر اسلام تا حالا چقدر بوده که اگر تلسکوپ بوده آن را پیدا می‌کردند و می‌دیدند، ولی چون نبوده ندیدند؟ آلآن همینی که آقا استقراء کردند به این صورت است. یعنی از روز اول تاریخ اسلام تا آلآن را ببینید؛ در معیار اپولپ یک رأس شلجمی داری‌م که حدود سه ساعت است که تنها با تلسکوپ دیده می‌شود. لایه دوم آن همین است که می‌گویی همینطوری نمی‌توانی ببینی.(optical aid)؛ همین «اید» عربی است. یعنی اگر با تلسکوپ کمک کردی و آن را پیدا کردی، با چشم عادی آن را می‌بینی‌د. این لایه دوم است. آلآن شما می‌توانی ببینی‌د که این لایه دوم در جاهای مختلف چقدر تکرار شده است. هیچ تفاوتی نمی‌کند. تکرار این با تکرار رأس شلجمی چه تفاوتی می‌کند؟ این هم یک آماری دارد.

مهمتر از این، طبق مبنای ایشان لایه‌های بعدی شلجمی است. بلادی هستند که با چشم عادی می‌بینند اما در بلد با عرض بالاتر نمی‌بینند. ایشان این را قبول کردند که اگر دیده نشد مجزی نیست. تصریح کردند. یعنی مثال ًدر کاشان دیده شد، قاطع هستیم که در قم با چشم عادی دیده نمی‌شود، در این‌جا می‌گویند ولو سه روز تفاوت کند، خب بشود. ثم ماذا؟!

26:45

قبال ًاین را عرض کردم، می‌گویند باید میقات باشد. درحالی‌که چطور میقاتی است که سه روز در بلاد مختلف تفاوت باشد؟! آن هم شاید در بلاد نزدیک هم.

شاگرد: این‌که با تلسکوپ دیده شود و بعد با چشم عادی دیده شود، خیلی بادر است.

استاد: در این شلجمی نگاه کنید. شاذ نیست. یعنی ساعتش معین است، خصوصیاتش معین است، مرز آن هم روی قوابط ریاضی روشن است. چند لایه است.

شاگرد: در این چند سال ما هیچ وقت نشنیدیم که بگویند با تلسکوپ دیده شد و بعد با چشم دیده شد.

استاد: گزارشات رؤیت هلال را نگاه کنید، هست. گزارش‌ها مفصل است. یعنی دقیقا ًجای آن را پیدا می‌کنند و بعد کسانی که تیزچشم هستند آن را می‌بینند. عرض کردم از نظر ضابطه علمی هم ثابت است. اگر این شکل‌ها را نگاه کنید سه لایه است. رنگ آبی تنها تلسکوپ است. لایه دوم آن همین است. لایه‌ای است که با تلسکوپ آن را پیدا می‌کنند و بعد می‌بینند. لایه سوم این است که اگر شرائط مساعد باشد آن را می‌بینند. لایه چهارم این است که هر کسی در هر شرائطی آن را می‌بیند. طبق اپولپ چهار لایه است. در معیار محمد عوده آن را سه تا کرده است. من طبق

ایلوپ عرض میکنم.

علی ای حال این بهعنوان مطلبی است که فرض آن ممکن است. سادهتر از آن را من گفته ام. دوربینهای شکاری نوعاً کمک میکند. در اینکه اول آن را پیدا کنند و بعد که پیدا کردند ببینند. خب اگر همه اهل بلد در طول تاریخ اسلام تا زمان معصومین تا به حال رفتند و ندیدند. اما اگر دوربین شکاری در آن جا بود هلال را پیدا میکردند و بعد با چشم میدیدند. چقدر از ماهها به این صورت میشود؟! یعنی باید این خطا را توضیح بدهند. شما که میگویید چشم عادی، این خطاها را چه کار میکنید؟ و حال آنکه اگر فتوای شما این است که وقتی با دوربین شکاری دیدید و بعد با چشم عادی دیدید، مجزی است، خب پس قبلاً همه مسلمانان اشتباه میکردند. به گمانم این اشکال، اشکال سرنوشتسازی در آیندهٔ این بحث است.

اما نسبت به چه جهتی؟ الآن عبارت را میخوانم و با عبارت صاحب جواهر هم آن را پی میگیریم.

بازبینی #1
ایجاد شده 10 مه 2026 12:27:46 توسط ... .
به روزرسانی شده 10 مه 2026 12:28:49 توسط ... .